

Identity Policies in Social Education Textbooks of Iranian First Period of High School

*Reza Khalili**

E-mail: Rezakhalili1@khu.ac.ir

*Hamed Mehraban Incheboron***


E-mail: h_mehraban97@atu.ac.ir

Received: 2021/5/30

Revised: 2021/9/10

Accepted: 2021/12/15

Doi: 10.22034/rjnsq.2021.288502.1285

 20.1001.1.1735059.1400.22.88.1.1

Abstract:

Education is one of the most important and influential institutions that implements the identity policy of governments in practice, and educational textbooks are the most important sources that can be used to understand government identity policies. Among the textbooks, the book of Social Education can represent the identity policy of any government more than other books due to its coverage of history, geography and sociology. Accordingly, in this article, the identity policy in the social education textbooks of the first period of high school of Iran is examined in order to recognize the official identity policy. This article examines the politics of identity in the social education textbooks of the first period of high school. The main question is to what extent the content of social education textbooks in the first period of high school has paid attention to different dimensions and trends of identity in Iran? To answer this question, national, ethnic, religious, faction and gender identity policies are examined separately to test the hypothesis that the content of first period of high school social education textbooks shows a mismatch and imbalance in attention to different dimensions of identity policy. The research method is based on the technique of qualitative content analysis with a deductive approach and three books of social education in the first period of high school that were taught in Iranian schools in 2020-2021 have been studied. The results and findings indicate that there is no necessary balance in the various dimensions of identity policy in the considering books.

Keywords: Identity policy, Textbooks, Content analysis, High school, Iran.

* Faculty member, Political Science Department, Kharazmi University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).

** Ph.D. Student of Political Sociology, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.

سیاست هویت در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه

نوع مقاله: پژوهشی

رضا خلیلی*

E-mail: Rezakhalili1@khu.ac.ir

حامد مهربان اینچه‌برون**

E-mail: h_mehraban97@atu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۶/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۴

چکیده

آموزش و پرورش از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین نهادهایی است که سیاست هویتی دولت‌ها را در عمل اجرا می‌کند و کتب درسی مهم‌ترین منبعی هستند که با بررسی آن‌ها می‌توان به درک روشن و واضحی از سیاست‌های هویتی دولت‌ها دست یافت. در میان کتب درسی نیز کتاب تعلیمات اجتماعی به دلیل پوشش دادن مباحث تاریخ، جغرافیا و جامعه‌شناسی بیش از سایر کتب می‌تواند سیاست هویتی هر دولت را بازنمایی کند. بر این اساس در این مقاله به بررسی سیاست هویت در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه پرداخته می‌شود. پرسش اصلی این است که محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه تا چه اندازه به ابعاد و گرایش‌های مختلف هویت در ایران توجه داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش سیاست‌های هویت ملی، قومی، دینی، مذهبی و جنسیتی به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرند تا این فرضیه به آزمون گذاشته شود که محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه نشانگر توجه نامتناسب و نامتوازن به ابعاد و گرایش‌های مختلف هویت در ایران است. روش پژوهش مبتنی بر تکنیک تحلیل محتوای کیفی با رویکرد قیاسی است و سه کتاب تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه نظری که در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در مدارس ایران تدریس شده‌اند مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. نتایج و یافته‌ها نشانگر آن است که تناسب و توازن لازم در توجه به ابعاد مختلف سیاست هویتی در کتب مورد بررسی وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: سیاست هویت، کتب درسی، تحلیل محتوا، دوره متوسطه، ایران.

* عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول).

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.

مقدمه و طرح مسئله

آموزش و پرورش به عنوان یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین نهادها در هر کشوری، وظیفه جامعه‌پذیری را بر عهده دارد. جامعه‌پذیری صحیح نیز به نوبه خود باعث تقویت انسجام اجتماعی و یکپارچگی ملی می‌گردد. در این وضعیت، دولت به راحتی می‌تواند سیاست‌های مدنظر خود را بدون اینکه با مقاومتی از سوی گروه‌های مختلف مواجه گردد، پیاده کند. مهم‌ترین عاملی که به نوعی می‌تواند موفقیت این امر را تضمین کند، در نظر گرفتن و توجه به هستی یا هویت‌های مختلف در جامعه است. به عبارت دیگر، دولت بایستی سیاست‌های هویتی خود را متناسب با گروه‌های دینی، مذهبی، قومیتی و جنسیتی در جامعه اعمال کند. جمهوری اسلامی ایران که متشکل از گروه‌های مختلف دینی، مذهبی و قومی است نیز به منظور حفظ و تقویت انسجام ملی، سیاست‌های هویتی را در پیش گرفته و بعضاً با چالش‌هایی از جانب این لایه‌های هویتی و همچنین هویت جنسیتی ناشی از تجدد رویارو است؛ بنابراین مسئله این است که بینیم آموزش و پرورش به عنوان یک سیاست‌گذار هویتی در اعمال سیاست‌های هویتی خود تا چه اندازه به این ابعاد و گرایش‌های مختلف هویتی توجه کرده است.

آموزش و پرورش به عنوان اولین و تأثیرگذارترین بازوی اجرایی سیاست‌های هویتی دولت، مهم‌ترین نهادی است که کمک می‌کند درک روشن و واضحی از سیاست‌های هویتی آن به دست آید. از آنجاکه اهداف و کارکردهای آموزش و پرورش بسیار گسترده است، کتب درسی می‌توانند در دسترس‌ترین و معتبرترین منبع در این زمینه به حساب آیند و در میان کتب درسی نیز کتاب‌های تعلیمات اجتماعی (که شامل مباحث تاریخ، جغرافیا و جامعه‌شناسی است) بهتر می‌تواند گرایش‌های مختلف سیاست‌های هویتی را بازنمایی کند. بر این اساس پرسش اصلی این است که محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه تا چه اندازه به ابعاد و گرایش‌های مختلف هویتی در ایران توجه داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش سیاست‌های هویت ملی، قومی، دینی، مذهبی و جنسیتی به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرند تا میزان توجه محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه به ابعاد و گرایش‌های مختلف هویت در ایران مشخص شود.

روش تحقیق

سیاست‌های هویتی می‌توانند بسیار گسترده باشند و در حوزه‌های مختلف توسط دولت‌ها اعمال شوند، بر این اساس سعی می‌شود ماهیت سیاست‌های هویتی آموزش و پرورش از طریق کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه

بازشناسی شود (نمونه‌گیری هدفمند). روش پژوهش حاضر مبتنی بر تکنیک تحلیل محتوای کیفی با رویکرد قیاسی است که روش متداول تحقیق برای تجزیه و تحلیل کمی منابع و داده‌های کیفی، به‌ویژه منابع مکتوب و تصویری (مثل کتاب‌های درسی) محسوب می‌شود. تأکید پژوهش حاضر بر کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه نظری است که در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ در مدارس ایران تدریس شده‌اند و سه کتاب دوره مذکور به‌عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. واحد تحلیل یا ثبت مورد نظر ما، جمله و واحد زمینه نیز درس است.

سیاست هویت؛ مبانی مفهومی و نظری

با توجه به اینکه سیاست هویت و مطالعات مربوط به آن در بستر اجتماعی خاص کشورهای غربی مورد مطالعه قرار گرفته است، دیدگاه‌ها و نظریات مطرح شده نیز عموماً متناسب با همان بستر است. البته در سال‌های اخیر مطالعاتی در کشورهای در حال توسعه صورت پذیرفته است، اما نگرش اغلب محققین به چستی سیاست هویت عمدتاً مانند هم‌تایان غربی خود بوده است (یونس‌پور، ۲۰۱۱؛ ادريس، ۲۰۰۵؛ هوپ، ۲۰۰۶؛ دیویس، ۲۰۰۹؛ براتعلی‌پور، ۱۳۹۳؛ فاضلی، ۱۳۹۱؛ آل‌سید غفور و زهیری، ۱۳۹۵؛ سیدامامی، ۱۳۸۵). در جوامع غربی مطالعات صورت گرفته در رابطه با سیاست هویت عمدتاً به فعالیت گروه‌های اقلیت، ذینفع و فعالان سیاسی اختصاص یافته است (یونس‌پور، ۲۰۱۱: ۱۴). در این راستا، برخی سیاست هویت را ناشی از تحولات ارزشی جوامع مابعد صنعتی غربی (نظریه‌پردازانی چون اینگلهارت و هابرماس) می‌دانند. برخی مانند تورن، اوفه و ملوچی نیز با تبیینی ساختارگرایانه از تحولات جوامع سرمایه‌داری صنعتی، ظهور سیاست هویت را توضیح می‌دهند. این در حالی است که کاستلز، انقلاب اطلاعات و ارتباطات و تسهیل شبکه‌ای شدن جهان و کلوس، فرایند جهانی شدن و تحریک هویت‌های محلی و فرهنگی خاص را بر اساس تحولات نظام جهانی تبیین می‌کنند. در نهایت، گینز و ریمر نیز با تبیینی سیاسی، اهمیت یافتن هویت را در قالب پسامدرنیته و تغییرات مرتبط با آن می‌بینند (کریمی، ۱۳۸۶: ۸۵).

در این پژوهش، سعی می‌شود سیاست هویت در راستای اهداف تحقیق و متناسب با مکان و زمان پژوهش به‌کاربرده شود. به‌عبارت‌دیگر، برخلاف مطالعات غربی که آن را در رابطه با جنبش‌های اجتماعی و از «پایین به بالا» مورد مطالعه قرار داده‌اند، از «بالا به پایین» و در قالب سیاست هویت ملی که توسط دولت اعمال می‌شود، به‌کاربرده می‌شود.



مفهوم هویت

مفهوم هویت دو معنای اصلی دارد: نخست، همانندی و تشابه مطلق (به شکل «این» عین «آن») و دوم، تمایز که از ثبات و تداوم زمانی ناشی می‌شود (گل‌محمدی، ۱۳۸۱: ۲۲۲). بدین‌سان هویت وسیله شناخت و تشخیص همانندی با گروهی و تفاوت از دیگران است، شباهت با کسانی که مثل ما هستند و متفاوت از کسانی که مانند ما نیستند.

براساس دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی جامعه‌شناسی معاصر، هویت امری اجتماعی است که فرد آن را در تعامل با افراد و گروه‌های اجتماعی کسب می‌کند. هویت با این مفهوم دارای طبقه‌بندی‌های عدیده‌ای است که مهم‌ترین آن‌ها دو نوع فردی (من کیستم و چیستم؟) و افراد دیگر کیست‌اند و چیست‌اند؟) و جمعی (ما کیستیم و چیستیم؟) و دیگران کیست‌اند و چیست‌اند؟) است (عبداللهی و حسین‌یر، ۱۳۸۱: ۱۰۷).

هویت ملی، به‌عنوان یک پدیده سیاسی و اجتماعی، محصول عصر جدید است که ابتدا در اروپا (پس از انقلاب صنعتی و گسترش احساسات ناسیونالیستی) در قرن هجدهم ظهور پیدا کرد و سپس در اواخر قرن نوزدهم به شرق و سرزمین‌های دیگر راه یافت (احمدی، ۱۳۸۸: ۶۴). هویت ملی فرایند پاسخگویی آگاهانه یک ملت به پرسش‌هایی از خود است؛ اینکه چه کسی بوده و چه هست، خاستگاه اصلی و دائمی‌اش کجاست، دارای چه فرهنگ و تمدنی بوده و چه نقشی در توسعه تمدن جهانی داشته و امروز چه جایگاه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در نظام جهانی دارد و بالاخره ارزش‌های ملهم از هویت تاریخی او تا چه حد در تحقق اهداف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه موردنظر، کارساز خواهد بود (جعفرزاده و حیدری، ۱۳۹۳: ۶۶). این سطح از هویت، مهم‌ترین، فراگیرترین و مشروع‌ترین سطح هویت در کلیه نظام‌های اجتماعی است و درعین‌حال بیشترین اهمیت را از لحاظ وحدت و انسجام ملی دارد (علوی مقدم و داورپناه، ۱۳۹۳: ۱۱۹)؛ بنابراین، با توجه به پیچیدگی‌های ذاتی و عرضی هویت، سیاست هویت نیز می‌تواند کاربردهای گوناگونی در زمان و مکان‌های مختلف داشته باشد.

سیاست هویت

اگرچه هویت جزء مهمی از حیات چند صد ساله سیاسی و اجتماعی جامعه مدرن بوده است، اما تنها پس از فوران اعتراضات جمعی در سال‌های دهه ۱۹۶۰ بود که به‌صورت نقطه کانونی مبارزات سیاسی در آمد (دان، ۱۳۸۵: ۳۳). بااین‌وجود، در سال ۱۹۷۹، آنسپاچ برای اولین بار از اصطلاح سیاست هویت برای اشاره به فعالیت افراد معلول استفاده کرد تا مفهوم خود و اجتماع افراد معلول را تغییر دهد (برنشتاین، ۲۰۰۵: ۴۷). از آن زمان به بعد، این مفهوم بسیار موردبحث بوده، اما به‌ندرت به‌وضوح تعریف شده

است. به این ترتیب، یکی از مهم‌ترین بحث‌های فرهنگی در عرصه سیاسی، در اطراف یک ایده مبهم چرخیده است.

با مرور تعاریف مختلف از سیاست هویت می‌توان آن‌ها را در دو رویکرد متفاوت دسته‌بندی کرد. در رویکرد نخست، سیاست هویت بر طیف وسیعی از کنش‌های سیاسی و نظریه‌پردازی بر پایه تجارب مشترکی از بی‌عدالتی نزد گروه‌های خاص اطلاق می‌شود (هیز، ۲۰۱۶: ۱). در حالی که در رویکرد دوم، می‌توان سیاست هویت را کوششی از سوی اصحاب قدرت برای الگوسازی و عادی‌سازی یک نگاه خاص بر یک واحد سیاسی معین دانست. این نگاه خاص از طریق نهادهای متنوع به‌ویژه نهاد تعلیم و تربیت مانند کتاب‌های درسی نهادینه می‌شود (امیرزاده و بهستانی، ۱۳۹۶: ۷۴).

بر این اساس سیاست هویت را می‌توان از حیث سطح به دودسته از «پایین به بالا» و از «بالا به پایین» تقسیم‌بندی کرد. سطح نخست به فرایندی اشاره دارد که مردم از طریق آن فرهنگ، هویت و ساختار رقابتی قدرت و ثروتی که از بالا بر زندگی اجتماعی آن‌ها وارد شده است را دچار چالش، یا درباره آن مذاکره می‌کنند. در حالی که سطح دوم عمدتاً به فرایندهایی اشاره دارد که به‌موجب آن موجودیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از بالا تلاش می‌کنند به هویت‌های جمعی بر اساس قومیت، نژاد، زبان و مکان، به چارچوب‌هایی نسبتاً ثابت و طبیعی‌سازی شده شکل دهند (هیل و ویلسون، ۲۰۰۳: ۲). سطح نخست بیشتر سازمان یافتن حول محور تجربه‌ای خاص یا چشم‌انداز یک گروه معین است که دید هویتی دارند و به دنبال به رسمیت شناخته شدن خود و کرامتشان هستند (فوکویاما، ۱۳۹۷؛ حکمان، ۱۹۹۹؛ زهیری، ۱۳۹۸؛ کاظمی و خلیل‌طهماسبی، ۱۳۹۴؛ ییفتاشل، ۲۰۰۶؛ برار، کومار و رام، ۲۰۰۸)؛ بنابراین، سیاست هویت در این سطح، قالبی راهبردی برای مقاومت و ابزاری برای مخالفت با فشارهای خواهان به‌هم‌آمیزی و همسان‌گرایی است که بر تفاوت‌های بارز اجتماعی و فرهنگی پای می‌فشرد (دان، ۱۳۸۵: ۴۲). در حالی که سطح دوم، سیاست هویت شامل نوعی سیاست رسمی، ساختاری و عمومی است که توسط دولت‌ها، احزاب و نهادهای مشارکتی در عرصه‌های سیاسی شهرها، مناطق و دولت‌ها اعمال می‌شود (هیل و ویلسون، ۲۰۰۳: ۲). به‌طور کلی، سیاست‌های هویتی در این معنا را می‌توان تلاش‌های دولت برای غالب کردن یک تعریف خاص از هویت ملی در نظر گرفت. البته ممکن است در هر جامعه‌ای این تعریف خاص از راه‌های مختلف حاصل شود. در جوامع دموکراتیک چنین تعریفی معمولاً مورد توافق حکومت و جامعه است، اما در جوامع



غیردموکراتیک معمولاً این نخبگان هستند که نوع و چگونگی آن را تعیین می‌کنند (قهرمان‌پور، ۱۳۸۵: ۴۸).

درواقع موافقان سیاست هویت، آن را ابزاری برای تغییر اجتماعی، به رسمیت شناخته شدن اجتماعی و درنهایت احترام قائل شدن به تفاوت‌ها می‌دانند. به عبارت دیگر، از دیدگاه این گروه، سیاست هویت بسیار مهم است، زیرا به اعضای جامعه اجازه می‌دهد تا وجود گروه‌های مختلف اجتماعی را تصدیق کنند و آن‌ها را به رسمیت بشناسند. در مقابل، مخالفان به دلیل مغایر بودن سیاست هویت با جهان‌گرایی لیبرال و نیرویی که اختلافات و حذف اجتماعی بیشتری را ایجاد می‌کند، آن را در معرض نقد قرار می‌دهند (یونس‌پور، ۲۰۱۱: ۱۴).

در رابطه با علل شکل‌گیری سیاست هویت دو دیدگاه مادی و غیرمادی وجود دارد که اولی صرفاً توجیه‌کننده سیاست هویت «از پایین به بالا» است، درحالی‌که دومی می‌تواند هر دو نوع آن را توضیح دهد. در این راستا، دیدگاه مادی سیاست هویت بر نقش نابرابری اقتصادی ساختاری و بهره‌برداری اقتصادی به عنوان علل جنبش‌های سیاسی مبتنی بر هویت تأکید می‌کند. از این منظر، سیاست هویت یک ادعای هنجاری است که پیوسته اظهار می‌دارد ابزاری برای تحول و عدالت اجتماعی است (یونس‌پور، ۲۰۱۱: ۱۱). در مقابل، دیدگاه غیرمادی، فرهنگ، ارزش‌های اجتماعی، سنت‌ها، سیستم‌های اعتقادی، زبان و فناوری را منبعی برای سیاست‌گذاری هویت در جامعه می‌داند. دیدگاه فوق این ایده را رد می‌کند که قدرت اقتصادی در تعامل‌های اجتماعی از اهمیت اساسی برخوردار است و استدلال می‌کند که اختلافات اجتماعی از جمله اختلاف در سیستم‌های اعتقادی می‌تواند باعث تشدید اقدامات سیاسی مبتنی بر هویت شود (برنشتاین، ۲۰۰۵: ۴۹).

پیشینه پژوهش و چارچوب نظری

تاکنون پژوهشی که به همه گرایش‌های مختلف سیاست هویتی ایران در قالب کتب درسی پردازد، انجام نشده است. بسیاری از پژوهشگران صرفاً به تبلور هویت ملی-ایرانی، اسلامیت و تجدد- در کتب درسی پرداخته‌اند. مهم‌ترین پژوهش‌ها در این زمینه عبارت‌اند از: یآوری (۱۳۷۳)، صالحی عمران و شکیباییان (۱۳۸۶)، صالحی عمران و دیگران (۱۳۸۷)، منصوری و فریدونی (۱۳۸۸)، نوشادی و دیگران (۱۳۹۰)، هاشمی و قربانعلی زاده (۱۳۹۳)، رهبری و دیگران (۱۳۹۴) و ازغندی و محمدی‌مهر (۱۳۹۵). برخی دیگر نیز کتب درسی را از حیث میزان توجه آن‌ها به یکی از مؤلفه‌های هویت

ملی (مانند میراث فرهنگی) مورد بررسی قرار داده‌اند (پورشگری و دیگران، ۱۳۹۹). در این میان، قادرزاده (۱۳۹۳) به هویت ملی و هویت دینی به صورت توأمان در بین دانش آموزان پرداخته است. تمامی این پژوهش‌ها فقط به هویت ملی که بخشی از سیاست های هویتی دولت ایران است، پرداخته‌اند؛ بنابراین، ابعاد قومی، دینی، مذهبی و جنسیتی سیاست‌های هویتی جمهوری اسلامی ایران نادیده گرفته شده‌اند. برخی دیگر از کارها نیز (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹؛ سرخوش، ۱۳۸۹؛ ودود حیدری و فریادرس، ۱۳۹۴) به سیاست‌های هویتی در ایران پرداخته‌اند، اما مفهوم مورد نظر آن‌ها تفاوت زیادی با آنچه در این مقاله به کار گرفته شده است، دارد.

برخی محققان هم به یکی از گرایش‌های سیاست‌های هویتی مانند سیاست هویت قومی (سید امامی، ۱۳۸۵؛ امیرزاده و بهستانی، ۱۳۹۶) یا سیاست هویت جنسیتی (اردستانی و ملاجعفری، ۱۳۹۵) و تأثیر آن‌ها بر ساختارهای اجتماعی و سیاسی یا سیاست‌گذاری‌های رسمی در ایران پرداخته‌اند که در عین شباهت‌های موضوعی با این مقاله، از نظر روش، نگرش و گستره‌ی شمول تفاوت‌هایی با آن دارند.

پژوهش‌های خارجی مانند کارهای مایرون و لائوریا^۱ (۱۹۹۵)، فاچر (۲۰۰۶)، مک نالتی و روسبرو (۲۰۰۹)، اسکودلارک^۲ (۲۰۱۱)، کاریر (۲۰۱۳) و برونیللا^۳ و رُسی (۲۰۱۸) عمدتاً سیاست هویت را از پایین به بالا مورد بررسی قرار داده‌اند. به همین جهت، با رویکرد این مقاله تفاوت دارند. همچنین با وجود آنکه همه آن‌ها در رابطه با آموزش و پرورش هستند، اما تحلیل محتوای کتب درسی مورد توجه هیچ‌کدام از آن‌ها نبوده است.

با توجه به این خلأ نظری و مصداقی، سعی می‌شود گرایش‌های مختلف سیاست هویت جمهوری اسلامی ایران در کتب تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور، علاوه بر هویت ایرانی و اسلامی، هویت مدرن یا متجدد که با انقلاب مشروطه به عنوان یک نقطه عطف وارد ادبیات سیاسی ایران شد (حقیقت، ۱۳۹۷: ۹۳) نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع در سطح ملی به سه لایه هویت ایرانی، اسلامی و غربی (مدرن) که تا حدی اجماع در مورد آن‌ها وجود دارد (مطهری، ۱۳۸۵؛ ثاقب‌فر، ۱۳۸۳؛ سریع‌القلم، ۱۳۸۳؛ رهبری و دیگران، ۱۳۹۴) پرداخته می‌شود. در این چارچوب به تفاوت‌های قومی، مذهبی و دینی و همچنین تفاوت‌های جنسیتی

1. Lauria
2. Szkudlarek

3. Brunila



ناشی از تجدد نیز می‌پردازیم. در جدول زیر، انواع هویت و سیاست‌های هویتی که بر اساس رویکرد غالب در ادبیات موجود در ایران جای بحث دارند، قابل مشاهده است:

جدول شماره ۱: انواع هویت و سیاست‌های هویتی قابل مطالعه در ایران

جنسیتی	مذهبی	دینی	قومی	ملی
زنانه	تشیع	زرتشتی	کرد	ایرانی
			ترکمن	
مردانه	تسنن	مسیحی	لر	اسلامیت
			بلوچ	
		کلیمی	عرب	تجدد
			آذری	
		تالشی		

پس از مشخص شدن انواع و سطوح سیاست هویتی، با استفاده از تحقیقات انجام شده و تغییراتی متناسب با اهداف تحقیق، در مجموع شاخص‌های زیر برای سیاست هویتی در کتاب تعلیمات اجتماعی احصا گردید:

۱. ارزش‌ها و هنجارها (مانند مهمان‌نوازی، عید نوروز، توحید، حقوق بشر) ۲.
۳. میراث فرهنگی (ایرانی) و اماکن دینی-مذهبی (اسلامی) ۳. مشاهیر و شخصیت‌های برجسته ایرانی، اسلامی و غربی ۴. وقایع و رخداد‌های ایرانی (ملی شدن صنعت نفت) یا اسلامی (واقعه هجرت پیامبر) ۵. میراث فرهنگی (ایرانی و اسلامی) ۶. مناسک دینی-مذهبی و نمادهای ایرانی (عید فطر، پرچم ایران، لباس‌های ایرانی اصیل) ۷. موقعیت جغرافیایی ایران (آگاهی از ویژگی‌های محیطی کشور و موقعیت خاص ایران در منطقه و جهان) ۸. خرده فرهنگ‌های قومی (هویت ایرانی).

یافته‌ها

طبق یافته‌های تحقیق، در مجموع ۵۷۸۷ جمله در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه نظری مورد بررسی قرار گرفتند که فراوانی مربوط به دوره هفتم ۱۷۹۰ (۳۰/۹۳ درصد)، دوره هشتم ۱۹۴۶ (۳۳/۶۳ درصد) و دوره نهم نیز ۲۰۵۱ (۳۵/۴۴ درصد) جمله بود. همچنین فراوانی تصاویر نیز ۱۱۳۳ عکس بود که ۳۸۰ (۳۳/۵۴ درصد) تصویر در دوره هفتم، ۳۹۴ (۳۴/۷۷ درصد) تصویر در دوره هشتم و ۳۵۹ (۳۱/۶۹ درصد) تصویر نیز در کتاب دوره نهم مورد تحلیل قرار گرفتند. در جدول زیر، فراوانی و درصد جملات و تصاویر مورد بررسی به تفکیک هر دوره نشان داده شده است:

جدول شماره ۲: فراوانی و درصد جملات و تصاویر مورد مطالعه

دوره	جمله‌های بررسی شده		تصاویر	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
هفتم	۱۷۹۰	۳۰/۹۳	۳۸۰	۳۳/۵۴
هشتم	۱۹۴۶	۳۳/۶۳	۳۹۴	۳۴/۷۷
نهم	۲۰۵۱	۳۵/۴۴	۳۵۹	۳۱/۶۹
کل	۵۷۸۷	۱۰۰	۱۱۳۳	۱۰۰

در رابطه با تصاویر یک ابهام وجود دارد و آن این است که در برخی تصاویر گرایش‌های مختلف سیاست‌های هویتی به چشم می‌خورد. بدین صورت که مثلاً تصویر مردی در لباس و کلاه ترکمنی هم می‌تواند در هویت قومی ترکمن مورد تحلیل قرار گیرد و هم در هویت جنسیتی مردانه و حتی در هویت مذهبی اهل سنت. این موضوع باعث شده تعداد گرایش‌های مختلف سیاست هویت در رابطه با تصاویر از کل تصاویر بیشتر گردد. به همین جهت، برای تسهیل محاسبه و تحلیل، ۲۴۵ تصویر به تعداد کل تصاویر کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه نظری افزوده شد تا در محاسبه مشکلی ایجاد نشود. از کل جملات موجود (۵۷۸۷)، ۳۵۸۴ (۶۱/۹ درصد) جمله در ارتباط با سیاست‌های هویتی بودند که از این تعداد ۵۹۵ (۶۱/۶ درصد) جهت‌گیری منفی داشتند. به عبارت دیگر، درصد کوچک نشان دادن گرایش‌های مختلف سیاست‌های هویتی بودند. در جدول زیر، فراوانی و درصد جملات حاوی سیاست‌های مختلف هویتی و میزان جهت‌گیری منفی آن‌ها قابل مشاهده است:

جدول شماره ۳: فراوانی و درصد جملات و میزان جهت‌گیری منفی آن‌ها

کل جملات		سیاست هویت		جهت‌گیری منفی	
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۵۷۸۷	۱۰۰	۳۵۸۴	۶۱/۹	۵۹۵	۱۶/۶

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش سعی می‌شود فراوانی و درصد گرایش‌های مختلف سیاست‌های هویتی جمهوری اسلامی ایران به تفکیک مورد بررسی قرار گیرد.

نمای کلی سیاست هویت جمهوری اسلامی ایران

در پاسخ به این پرسش که محتوای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه تا چه اندازه به گرایش‌های مختلف سیاست‌های هویتی پرداخته است، بر اساس مجموع



فراوانی جملات در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی باید گفت ۳۵۸۴ جمله حاوی سیاست‌های هویتی بوده‌اند. در این میان بیشترین فراوانی به سطح ملی هویت یا هویت ملی با مجموع فراوانی ۳۱۱۸ جمله با ۸۷ درصد اشاره داشته‌اند. پس از آن هویت مذهبی با فراوانی ۲۸۲ جمله و ۷/۸ درصد با اختلاف بسیار در جایگاه دوم اهمیت قرار گرفته است. پس از آن نیز به ترتیب هویت قومی با فراوانی ۱۲۱ (۳/۴ درصد) جمله و هویت دینی با فراوانی ۶۳ (۱/۸ درصد) جمله در جایگاه سوم و چهارم قرار گرفته‌اند. در تصاویر انتخاب شده برای کتاب‌های مورد مطالعه، ۸۵۵ (۶۲/۰۵ درصد) تصویر به سوی هویت ملی هدایت شده است. پس از آن نیز به ترتیب هویت جنسیتی با فراوانی ۴۱۴ (۳۰/۰۴ درصد) تصویر، هویت قومی با فراوانی ۵۸ (۴/۲۱ درصد) تصویر، هویت مذهبی با ۴۵ (۳/۲۷ درصد) تصویر و هویت دینی با فراوانی ۶ تصویر به ترتیب بیشترین توجه را به خود جلب کرده‌اند. در جدول زیر، فراوانی و درصد توجه متن و تصاویر کتب تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه به ابعاد و گرایش‌های مختلف هویتی و میزان جهت‌گیری منفی آن‌ها قابل مشاهده است:

جدول شماره ۴: فراوانی جملات و تصاویر نشان‌دهنده انواع سیاست‌های هویتی

سیاست هویت	متن		جهت‌گیری منفی		تصاویر	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
هویت ملی	۳۱۱۸	۸۷	۵۱۷	۸۶/۹	۸۵۵	۶۲/۰۵
هویت قومی	۱۲۱	۳/۴	۱۶	۲/۷	۵۸	۴/۲۱
هویت دینی	۶۳	۱/۸	-	-	۶	۰/۴۴
هویت مذهبی	۲۸۲	۷/۸	۶۲	۱۰/۴	۴۵	۳/۲۷
هویت جنسیتی	-	-	-	-	۴۱۴	۳۰/۰۴
کل	۳۵۸۴	۱۰۰	۵۹۵	۱۰۰	۱۳۷۸	۱۰۰

هویت ملی

در پاسخ به این پرسش که کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه تا چه اندازه به مؤلفه‌های سیاست هویت ملی - ایرانیت، اسلامیت و تجدد - پرداخته‌اند، یافته‌ها حاکی از آن است که در این زمینه، هویت ملی با ۳۱۱۸ جمله، بیشترین اهمیت را در میان گرایش‌های مختلف سیاست‌های هویتی داشته است. از عناصر سه‌گانه هویت ملی نیز اسلامیت با ۱۴۴۳ جمله بیشترین توجه را به خود جلب نموده است. همچنین ایرانیت با ۱۳۵۵ جمله بسیار مورد توجه سیاست‌گذاران آموزش و پرورش بوده است.

در نهایت، کم‌ترین توجه به لایه مدرن (تجدد) هویت ملی با ۳۲۰ جمله شده است. اسلامیت، ایرانیت و تجدد به ترتیب ۴۶/۲۸، ۳۶/۴۶ و ۱۰/۲۶ درصد از کل جملات مربوط به سیاست هویت ملی را به خود اختصاص داده‌اند. نکته قابل توجه این است که جملات مرتبط با لایه اسلامی هویت ملی هیچ‌گونه جهت‌گیری منفی نداشته‌اند، در حالی که در رابطه با تجدد نیز ۱۵۱ جمله وجود داشته که سعی در کوچک و منفی نشان دادن هویت مدرن داشته‌اند. از میان تصاویر مورد بررسی در مجموع ۸۵۵ عکس در ارتباط با هویت ملی بوده که ۴۲۰ (۴۹/۱۳ درصد) تصویر نمایانگر هویت اسلامی است، در حالی که هویت ایرانی و مدرن به ترتیب با ۳۶۴ (۴۲/۵۷ درصد) و ۷۱ (۸/۳ درصد) تصویر، پس از اسلام مورد توجه سیاست‌گذار هویتی بوده‌اند. در جدول زیر، فراوانی و درصد توجه سیاست‌گذار هویت ملی به سه لایه ایرانیت، اسلامیت و تجدد و تصاویر مرتبط با هر کدام از آن‌ها نشان داده شده است:

جدول شماره ۵: فراوانی و درصد توجه به لایه‌های مختلف هویت ملی

هویت ملی	متن		تصاویر	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
ایرانیت	۱۳۵۵	۳۶/۴۶	۳۶۴	۴۲/۵۷
اسلامیت	۱۴۴۳	۴۶/۲۸	۴۲۰	۴۹/۱۳
تجدد	۳۲۰	۱۰/۲۶	۷۱	۸/۳
کل	۳۱۱۸	۱۰۰	۸۵۵	۱۰۰

هویت قومی

در مورد هویت قومی این پرسش باید بررسی شود که کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه تا چه اندازه به گرایش‌های سیاست هویت قومی -کرد، لر، بلوچ، عرب، ترکمن، آذری، تالشی- پرداخته‌اند؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که قومیت‌ها در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه بسیار منعکس شده‌اند. بر این اساس در این کتاب‌ها در مجموع ۱۲۱ جمله در مورد آذری‌ها به کار برده شده است. در مورد سایر اقوام مطالبی ذکر نشده است.

در ارتباط با تصاویر انتخاب شده برای سیاست هویت قومی نیز در مجموع ۵۸ تصویر وجود داشته است. در این مورد نیز بیشترین فراوانی با ۱۷ تصویر (۲۹/۳۱)



درصد) به آذری‌ها اختصاص دارد. ترکمن‌ها و بلوچ‌ها هرکدام با ۲ (۳/۴۵ درصد) تصویر، کردها، لرها و عرب‌ها نیز هرکدام با ۱۰ (۱۷/۲۴ درصد) تصویر مورد توجه سیاست‌گذار هویتی بوده‌اند. در نهایت، قوم تالش با ۷ (۱۲/۰۷ درصد) تصویر، در کتاب تعلیمات اجتماعی جایگاه نسبتاً پایینی داشته است. در جدول زیر فراوانی و درصد جملات و تصاویر به کار گرفته شده در مورد هویت‌های قومی ایران قابل مشاهده است:

جدول شماره ۶: فراوانی و درصد توجه به هویت‌های قومی

هویت قومی	متن		تصاویر	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کرد	-		۱۰	۱۷/۲۴
لر	-		۱۰	۱۷/۲۴
بلوچ	-		۲	۳/۴۵
عرب	-		۱۰	۱۷/۲۴
ترکمن	-		۲	۳/۴۵
آذری	۱۲۱	۱۰۰	۱۷	۲۹/۳۱
تالشی	-		۷	۱۲/۰۷
کل	۱۲۱	۱۰۰	۵۸	۱۰۰

هویت دینی

توجه به هویت دینی نیز در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه جایگاه بسیار ناچیزی داشته است. در این زمینه، مجموع جملاتی که مورد تحلیل قرار گرفته اند، ۶۳ جمله بوده که از این میان هویت دینی زرتشتی با ۳۰ جمله (۴۷/۶۲ درصد) تقریباً نصف توجه سیاست هویت دینی دولت در کتاب‌های مورد بررسی را جلب کرده است. هویت دینی مسیحی و کلیمی نیز به ترتیب با ۲۵ (۳۹/۶۸ درصد) و ۸ (۱۲/۷ درصد) جمله در جایگاه اهمیت بعدی قرار گرفته‌اند.

همچنین در مجموع ۶ تصویر در ارتباط با هویت‌های دینی مورد تحلیل قرار گرفته است که ۳ (معادل ۵۰ درصد) آن‌ها مربوط به دین زرتشت بوده است. تصاویر مربوط به هویت دینی مسیحی نیز ۵۰ درصد باقیمانده را به خود اختصاص داده‌اند و هیچ تصویری در رابطه با هویت دینی کلیمی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه وجود نداشته است. در جدول زیر، فراوانی و درصد جمله‌ها و تصاویر موجود در مورد هویت‌های دینی در کتاب‌های مورد بررسی نشان داده شده است:

جدول شماره ۷: فراوانی و درصد توجه به هویت‌های دینی

هویت دینی	متن		تصاویر	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
زرتشت	۳۰	۴۷/۶۲	۳	۵۰
کلیمی	۸	۱۲/۷	-	
مسیحی	۲۵	۳۹/۶۸	۳	۵۰
کل	۶۳	۱۰۰	۶	۱۰۰

هویت مذهبی

توجه به گرایش‌های هویت مذهبی - اهل سنت و تشیع - در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه نیز قابل توجه نبوده است، به دلیل اهمیتش در ایران و هم‌مرز بودن ایران با کشورهای اهل سنت، بایستی جایگاه بارزتری داشته باشد. جملات نشان دهنده هویت مذهبی در کتاب‌های مورد بررسی در مجموع ۲۸۲ مورد بوده است. از این تعداد، تشیع با ۲۰۱ (۷۱/۲۸ درصد) جمله بیشترین توجه را به خود اختصاص داده است. در مقابل، اهل سنت با ۸۱ (۲۸/۷۲ درصد) جمله در سیاست هویت مذهبی ایران مورد توجه بوده است که با توجه به نسبت تقریبی جمعیت اهل سنت به تشیع قابل قبول است.

همچنین، در مجموع ۴۵ تصویر مرتبط با سیاست هویت مذهبی در کتاب‌های مورد بررسی وجود داشته است. در این میان، ۴۱ (۹۱/۱۱ درصد) تصویر مختص به تشیع بوده، در حالی که صرفاً در ۴ (۸/۸۹ درصد) تصویر به اهل سنت پرداخته شده است. در جدول زیر، فراوانی و درصد توجه به هویت‌های مذهبی به تفکیک جملات و تصاویر نشان داده شده است:

جدول شماره ۸: فراوانی و درصد توجه به هویت‌های مذهبی

هویت مذهبی	متن		تصاویر	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تشیع	۲۰۱	۷۱/۲۸	۴۱	۹۱/۱۱
اهل سنت	۸۱	۲۸/۷۲	۴	۸/۸۹
کل	۲۸۲	۱۰۰	۴۵	۱۰۰

هویت جنسیتی

در انتخاب تصاویر برای کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه به ابعاد هویت جنسیتی نیز توجه کمتری شده است. در مجموع ۴۱۴ تصویر مرتبط با هویت جنسی مورد تحلیل قرار گرفته است که ۳۲۹ (۷۹/۴۷ درصد) مورد آن مربوط به هویت مردانه بوده است. در مقابل، فقط ۸۵ (۲۰/۵۳ درصد) مورد منعکس‌کننده توجه به زنان بوده است.



جدول زیر، فراوانی و درصد توجه به تصاویر مرتبط با هویت جنسیتی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه قابل مشاهده است:

جدول شماره ۹: فراوانی و درصد توجه به هویت‌های جنسیتی

تصاویر		هویت جنسیتی
درصد	فراوانی	
۷۹/۴۷	۳۲۹	مردانه
۲۰/۵۳	۸۵	زنانه
۱۰۰	۴۱۴	کل

نتیجه‌گیری

سیاست‌های هویتی دولت‌ها اغلب از طریق آموزش و پرورش اعمال می‌شود و محتوای کتاب‌های درسی، به‌ویژه در دوره متوسطه در انعکاس آن‌ها نقش حائز اهمیت دارند؛ زیرا در این دوره دانش‌آموزان گام‌های اولیه را برای کسب هویت برمی‌دارند و سیاست هویتی مناسب از سوی دولت می‌تواند منجر به تقویت یا تضعیف انسجام اجتماعی و همبستگی ملی شود. این موضوع، به دلیل تفاوت‌های قومی، زبانی، دینی و مذهبی در ایران اهمیت پیدا می‌کند.

بررسی نحوه انعکاس سیاست‌های هویتی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه در این مقاله به‌وضوح حاکی از نامتوازن و توجه به ابعاد و گرایش‌های مختلف هویت در ایران است. اگرچه در این کتاب‌ها به هویت ملی به‌عنوان مشروع‌ترین و مهم‌ترین سطح، توجه بیشتری شده است، اما سیاست‌های هویت قومی، دینی، مذهبی و جنسیتی کم‌تر مورد توجه بوده است. به‌عبارت‌دیگر، از ۵۷۸۷ جمله مورد بررسی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دوره اول متوسطه، ۳۵۸۴ (۶۱/۹ درصد) جمله به سیاست‌های هویتی مرتبط بوده است از کل جملات مرتبط با سیاست هویت، ۳۱۱۸ (۸۷ درصد) جمله با هویت ملی مرتبط بوده است. جمله‌های مرتبط با هویت قومی، مذهبی و دینی نیز به ترتیب ۱۲۱ (۳/۴ درصد)، ۶۳ (۱/۸ درصد) و ۲۸۲ (۷/۸ درصد) جمله بوده است.

در نگاهی جزئی‌تر متوجه می‌شویم در توجه به سیاست هویت ملی نیز عمدتاً به هویت اسلامی و ایرانی پرداخته شده و هویت مدرن (تجدد) بسیار کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از کل جملات مربوط به سیاست هویت ملی، ۱۴۴۳ (۴۶/۲۸ درصد) جمله به اسلامیت، ۱۳۵۵ (۴۳/۴۶ درصد) جمله به ایرانیت و ۳۲۰ (۱۰/۲۶ درصد) جمله به تجدد پرداخته است. در حالی که در رابطه با ایرانیت و تجدد به ترتیب ۳۶۶ و ۱۵۱ جمله با جهت‌گیری منفی نیز وجود داشته است. علاوه بر این، در متن این کتاب‌ها به

هیچ‌یک از اقوام ایرانی به‌جز آذری توجه نشده است. در رابطه با قومیت آذری نیز ۱۲۱ جمله وجود داشته است. در رابطه با هویت مذهبی نیز از ۲۸۲ جمله، ۸۱ جمله به اهل سنت پرداخته که البته اگر به نسبت جمعیت در نظر بگیریم قابل قبول است. درنهایت، در ارتباط با سیاست هویت دینی، جملات به کار گرفته شده برای زرتشتی، مسیحی و کلیمی به ترتیب ۳۰، ۲۵ و ۸ جمله بوده است. البته جمعیت اقلیت های دینی در کشور بسیار ناچیز است.

از کل تصاویر نیز ۶۲/۰۵ درصد آن‌ها مربوط به سیاست هویت ملی بوده است. سپس، هویت جنسیتی، قومی، مذهبی و دینی به ترتیب ۳۰/۰۴، ۴۱/۲۱، ۳/۲۷ و ۰/۴۴ درصد تصاویر مورد تحلیل قرار گرفته را به خود اختصاص داده‌اند؛ اما توازن در بین ابعاد داخلی آن‌ها نیز وجود ندارد، به طوری که از ۸۵۵ تصویر مربوط به هویت ملی، تصاویر انتخاب شده برای اسلامیت، ایرانیت و تجدد به ترتیب ۴۲۰ (۴۹/۱۳ درصد)، ۳۶۴ (۴۲/۵۷ درصد) و ۷۱ (۸/۳ درصد) تصویر بوده است. این عدم توازن در دیگر گرایش‌های سیاست‌هویت‌ی دولت جمهوری اسلامی ایران نیز وجود دارد.

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان چنین استنباط کرد که در کتاب تعلیمات اجتماعی اگرچه به گرایش اسلامیت و ایرانیت و هویت جنسیتی مردانه و همچنین هویت قومی آذری توجه بیشتری شده است، با این حال، به هویت جنسی زنان، اقوام دیگر به‌جز آذری و هویت دینی کلیمی آن‌طور که باید و شاید پرداخته نشده است.

با توجه به نقش مهم آموزش و پرورش و به‌ویژه محتوای درسی کتاب تعلیمات اجتماعی که به موضوعات تاریخی، جغرافیایی و اجتماعی می‌پردازد، سیاست هویتی دولت بایستی اصل تناسب و توازن را در توجه به هویت‌های مختلف در جامعه مدنظر قرار دهد. در این زمینه، پیشنهادهایی برای بهبود عملکرد ارائه می‌شود که عبارت‌اند از:

- دروس مشخصی برای هرکدام از گرایش‌های مختلف سیاست هویتی، به‌ویژه جایگاه و نقش زنان، تاریخ ادیان، نقش قومیت‌ها در دفاع از سرزمین، تاریخ و زبان آن‌ها و درنهایت اهل سنت و وجوه اشتراک آن با تشیع برای تقویت وحدت ملی گنجانده شود.

- از تأکید بر وجوه افتراق و جهت‌گیری منفی نسبت به مسائل تاریخی از جمله سیاست هویت قومی و مذهبی تا حد امکان دوری شود و دروس و سرفصل‌های مربوط به این مباحث حذف گردد.

- در انتخاب تصاویر، به‌ویژه در حوزه سیاست هویت جنسیتی توازن رعایت گردد تا زنان که رکن اصلی خانواده و محور عاطفی و تربیتی کودکان شناخته می‌شوند، احساس بی‌هویتی نکنند.

- در رابطه با سیاست هویت ملی و گرایش به تجدد بهترین راه حفظ هویت اسلامی و ایرانی، آشنایی کامل دانش‌آموزان با محاسن و معایب تجدد است تا از این طریق دانش‌آموزان قادر به یافتن نقاط ضعف خود و در صورت لزوم مواجهه با عوارض و پیامدهای آن گردند.

منابع

- احمدی، حمید (۱۳۸۸)؛ *بنیادهای هویت ملی ایرانی*، تهران: نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- اردستانی، علی؛ ملاجعفری، فریبا (۱۳۹۵)؛ «سیاست هویت و جنسیت در ایران معاصر با تأکید بر اشعار شاملو»، *فصلنامه‌ی مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۷ (۳)، صص ۱۵۲-۱۲۷.
- ازغندی، علیرضا؛ محمدی‌مهر، غلامرضا (۱۳۹۵)؛ «بازنمایی هویت ملی در کتاب‌های فارسی مقطع دبستان»، *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، ۱۷ (۱)، صص ۳۹-۵۲.
- آشنا، حسام‌الدین؛ روحانی، محمدرضا (۱۳۸۹)؛ «هویت فرهنگی ایرانیان: از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی»، *فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی*، ۳ (۴)، صص ۱۸۵-۱۵۷.
- آل سید غفور، سید محمدتقی؛ زهیری، علیرضا (۱۳۹۵)؛ «سیاست هویت و جنبش‌های اجتماعی جدید»، *فصلنامه‌ی علوم سیاسی (باقرالعلوم)*، ۱۹ (۷۴)، صص ۱۴۰-۱۱۹.
- امیرزاده، محمدرضا؛ بهستانی، مجید (۱۳۹۶)؛ «بررسی سیاست هویت در دوره معاصر ایران»، *فصلنامه‌ی مجلس و راهبرد*، ۲۱ (۷۷)، صص ۱۰۶-۷۱.
- براتعلی‌پور، مهدی (۱۳۹۳)؛ «درآمدی بر سیاست هویتی در جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه‌ی سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۲ (۷)، صص ۱۵۸-۱۴۱.
- پورشکری، علیرضا و دیگران (۱۳۹۹)؛ «تحلیل محتوای کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی دوره اول متوسطه: براساس مؤلفه‌های میراث فرهنگی»، *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، ۲۱ (۱)، صص ۴۶-۲۷.
- ثاقب‌فر، مرتضی (۱۳۸۳)؛ «ایران باستان و هویت ایرانی»، در: *ایران، هویت، ملیت، قومیت*، حمید احمدی، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- جعفرزاده‌پور، فروزنده، حیدری، حسین (۱۳۹۳)؛ «فراتحلیل رابطه هویت ملی و هویت قومی در ایران»، *فصلنامه‌ی راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۳ (۱۱)، صص ۹۶-۶۳.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۹۷)؛ «هویت ایرانی - اسلامی: تحلیلی گفتمانی»، *دو فصلنامه‌ی حقوق بشر*، ۱۳ (۱)، صص ۹۱-۱۱۰.
- دان، رابرت (۱۳۸۵)؛ *نقد اجتماعی پست مدرنیته بحران‌های هویت*، ترجمه صالح نجفی، تهران: پردیس دانش، شرکت نشر و پژوه شیرازه.
- رهبری، مهدی و دیگران (۱۳۹۴)؛ «هویت ملی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ج.ا.ا»، *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، ۱۶ (۱)، صص ۶۶-۴۵.

- زهیری، علیرضا (۱۳۹۸): *سیاست هویت در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸ - ۱۳۹۲)*، تهران: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- سرخوش، نیکو (۱۳۸۹): «سیاست هویت»، *دو فصلنامه‌ی فلسفی شناخت*، ۱ (۶۴)، صص ۹۹-۱۲۰.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۳): «متدلوژی فهم هویت ملی»، *هویت ملی در ایران*، داود میر محمدی، تهران: نشر تمدن ایرانی.
- سید امامی، کاووس (۱۳۸۵): «قومیت از منظر سیاست‌های هویت»، *دو فصلنامه‌ی دانش سیاسی*، ۲ (۱)، صص ۱۶۶-۱۴۳.
- صالحی عمران، ابراهیم و دیگران (۱۳۸۷): «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره راهنمایی»، *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، ۹ (۳۵)، صص ۳-۲۵.
- صالحی عمران، ابراهیم؛ شکیباییان، طناز (۱۳۸۶): «بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های درسی دوره آموزش ابتدایی»، *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، ۸ (۱)، صص ۸۴-۶۳.
- عبداللهی، محمد؛ حسین‌بر، محمدعثمان (۱۳۸۱): «گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۴ (۴)، صص ۱۲۶-۱۰۱.
- علوی‌مقدم، سیدبهنام؛ داوریناه، زهرا (۱۳۹۳): «تحلیل محتوای مؤلفه‌های هویت ملی در کتب آموزش زبان فرانسه دوره‌های راهنمایی، دبیرستان - پیش‌دانشگاهی»، *فصلنامه‌ی نوآوری‌های آموزشی*، ۱۳ (۵۲)، صص ۱۴۰-۱۱۷.
- فاضلی، حبیب‌الله (۱۳۹۱): «ورزش و سیاست هویت»، *فصلنامه‌ی علوم سیاسی*، ۷ (۲)، صص ۱۷۴-۱۵۱.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۷): *هویت؛ تقاضای کرامت و سیاست نفرت*، ترجمه رحمان قهرمانپور، تهران: نشر روزنه.
- قادرزاده، امید (۱۳۹۳): «آموزش و پرورش و هویت دینی و ملی (مطالعه پیمایشی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر بانه)»، *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، ۱۵ (۳)، صص ۱۰۶-۸۱.
- قهرمانپور، رحمن (۱۳۸۵): *سیاست‌های هویتی نخبگان و تأثیر آن بر سیاست خارجی در کشورهای خاورمیانه، مطالعه موردی ایران، ترکیه، مصر و اسرائیل*، رساله دکتری رشته علوم سیاسی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- کاظمی، احسان و نوذر خلیل طهماسبی (۱۳۹۴): *درباره سیاست هویت*، تهران: نشر دا.
- کریمی، علی (۱۳۸۶): «هویت‌های جدید در عصر جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت عمومی»، *پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی*، ۲ (۴)، صص ۱۰۵-۷۹.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱): *جهانی شدن، فرهنگ، هویت*، تهران: نشر نی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵): *خدمات متقابل اسلام و ایران*، تهران: نشر صدرا، چاپ ۳۲.
- منصوری، علی؛ فریدونی، آریتا (۱۳۸۸): «تبلور هویت ملی در کتب درسی: بررسی محتوایی کتاب فارسی دوره ابتدایی»، *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، ۱۰ (۲)، صص ۴۶-۲۷.
- نوشادی، محمودرضا و دیگران (۱۳۹۰): «نقش و کارکرد کتاب‌های تعلیمات اجتماعی پنجم دبستان و سوم راهنمایی در شکل‌گیری هویت ملی»، *فصلنامه‌ی پژوهش‌های برنامه درسی*، ۱ (۱)، صص ۱۶۷-۱۳۹.
- هاشمی، سیدضیاء؛ قربانعلی‌زاده، مژده (۱۳۹۳): «هویت ملی در کتب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی»، *فصلنامه‌ی مطالعات ملی*، ۱۵ (۴)، صص ۷۱-۴۹.
- ودود حیدری، محمد؛ فریادرس، طیب (۱۳۹۴): «سیاست هویت از نگاه اسلام در شرایط جهانی شدن»،



فصلنامه‌ی مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۱۹ (۳)، صص ۴۲۲-۴۳۸.

- یآوری، نوشین (۱۳۷۳)؛ «اقوام و قومیت در کتاب‌های درسی»، فصلنامه گفتگو، ۳، صص ۹۷-۱۱۹.

- Bernstein, M. (2005); *Identity politics*, *Annu. Rev. Sociol.*, 31, pp 47-74.
- Brar, B., Kumar, A., & Ram, R. (Eds). (2008); *Globalization and the Politics of Identity in India*, Pearson Education India.
- Brunila, K., & Rossi, L. M. (2018); "Identity politics, the ethos of vulnerability, and education". *Educational Philosophy and Theory*, 50 (3), pp 287-298.
- Carrier, P. (2013); *School and Nation: Identity Politics and Educational Media in an Age of Diversity*, Peter Lang Publishing Group, 29 Broadway 18th Floor, New York, NY 10006.
- Davies, R. (2009); *Afrikaners in the new South Africa: identity politics in a globalised economy*, IB Tauris.
- Faucher, C. (2006); "Popular discourse on identity politics and decentralisation in Tanjung Pinang public schools", *Asia Pacific Viewpoint*, 47(2), pp 273-285.
- Hekman, S. (1999); "Identity crises: Identity, identity politics, and beyond". *Critical Review of International Social and Political Philosophy*, 2(1), pp 3-26.
- Heyes, C. (2016); *Identity politics*. First published Tue Jul 16, 2002; substantive revision Wed Mar 23, 2016. Available at: <https://plato.stanford.edu/archives/sum2016/entries/identity-politics/>
- Hill, J. & Wilson, T. (2003); "Identity politics and the politics of identities", *Identities: global studies in culture and power*, 10(1), pp 1-8.
- Hope, D. P. (2006); *Inna di dancehall: Popular culture and the politics of identity in Jamaica*, University of West Indies Press.
- Idris, Amir (2005); *Conflict and politics of identity in Sudan*. Palgrave: Macmillan.
- McNulty, C. P., & Roseboro, D. L. (2009); "I'm not really that bad": Alternative School Students, Stigma, and Identity Politics, *Equity & Excellence in Education*, 42(4), pp 412-427.
- Miron, L. F., & Lauria, M. (1995); "Identity politics and student resistance to inner-city public schooling", *Youth & Society*, 27(1), pp 29-54.
- Szkudlarek, T. (2011); "Semiotics of identity: Politics and education", *Studies in Philosophy and education*, 30(2), pp 113-125.
- Yiftachel, O. (2006); *Ethnocracy: Land and identity politics in Israel/Palestine*, University of Pennsylvania Press.
- Yunespour, Ali Reza (2011); *Identity Politics: A Case Study of Afghanistan, Discipline of Government and International Relations the University of Sydney*.